

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن آلمان ۲۲ اپریل ۲۰۰۸

هیولای همسایه

با همنژاد خویش کنی ظمی اینچنین
کافر نکرد، همچو تو جور و جفا، یقین
نامرد و بی مروتی، ای مار آستین
دردیگ روس و آتش انگلیس و خوان چین
ظاهر شود به اهل جهان چهره چخین
چون دشت کربلا شده، افغان ستان زمین
از جور تست داغ، دل رب عالمین
آزادی و، تمامیت، ارضی چین
جنگ عراق، ورنه نفسهای آخرین
ایمان، چنین بود ز مسلمان راستین
افتاده روی بستر برف و یخ زمین
حتی که کافران شده زین ماجرا غمین
در پای لنگ خاطره ها، می زنی ز کین
هر روز فلم تازه، نمایش به آن و این
قتل و قتل میکنی، ای ناکس لعین
نه بریتیم و بیوه و کشتی و راکبین
طوفان قهرزا و، هیولای آتشین
تابوم شوم را بفرستی، صد آفرین
تا پاسخی رسد به تو، از رب العالمین

ای (احمدی نژاد) ! تو ای همزبان و دین
اسلام دین و، شیعه ترا مذهب، ای دریغ
لاف و گزاف مردی و همسایگی زنی
بیهوده (قاف) نام ترا (دال) پخته اند
باید که (دال) نام تو، گردد دوباره (قاف)
فرقی میان شمر و یزید و، تو می نشد
هرچند از جفای مشرف، جگر، کباب
از خون پاک ملت افغان ترا رسید
افغان اگر نبود، تو نابود میشدی
پاداش، بس جفا شد و انعام، ردّ مرز
نعش جوان و پیر و، زن و مرد هموطن
صد ها هزار پشته شد از گشته های ما
سنگ جفا و کینه و تبعیض و جهل را
از شرط و شرطبازی تو خسته شد جهان
گاهی بنام مذهب و، اندیشه های نو
شرمی نه از خدا و، نه رحمی به ناخدا
این قایق شکسته ما را، مکن خراب
آینه ای بگیر و، نظر کن به خویشان
«نعمت» به عدل ایزد یکتا سپاردت